

قلم‌هایتان را فراموش نکنید!

از ترور رذیلانه اقبال مسیح، "کودک کارگر" پیشرو و پرشور، به دست سرمایه‌داران و دستگاه دولتی شان در پاکستان، سه سال و یازده روز می‌گذرد. هرچند که زندگی سرشار و پربار او خیلی کوتاه بود، اما پیام و مصاف او علیه نظام سرمایه‌داری، در شط‌بی پایان زندگی همچنان ادامه دارد. او گفته بود: "من از سرمایه‌داران و صاحب‌کاران نمی‌ترسم، آنها از من وحشت دارند." راست می‌گفت! نه فقط از وی وحشت داشتند، بلکه از یادش هم می‌هراسند!

یکی از هم‌زنجیران اقبال، در مراسم خاکسپاری وی گفت: "بعد از اقبال و در ادامه راهش، هزاران اقبال پیا خواهند خواست." برخاستند و حق طلبیدند! از پاکستان تا فیلیپین، از بنگلادش تا سری‌لانکا و از هندوستان تا چین، به یاد اقبال، و به دنبال اقبال، مبارزه کردند، آزاد شدند، و برای آزادی هم‌زنجیرانشان به تلاش ادامه می‌دهند.

و اینک در راهند! ۳۴۰ کودک کارگر در یک راهپیمائی اعتراضی جهانی! نماینده ۲۵۰ میلیون کودک کارگر، که ۱۲۵ میلیونش را "بردگان قرض" تشکیل می‌دهند! علیه بردگی قیام کرده‌اند و به بشریت فراخوان داده‌اند. از روز سالگرد مرگ اقبال، شانزدهم آوریل، از پاکستان براه افتاده‌اند و سوم ماه مه به سوئد می‌رسند.

صاحب‌کاران هم اما، بیکار ننشسته‌اند. نه تنها تا دیروز به زنجیرشان می‌کشیدند، کتک‌شان می‌زدند، ابتدائی‌ترین حقوق‌شان را پایمال می‌کردند، و اقبال‌شان را می‌کشتند، بلکه امروز هم سعی در لوٹ کردن مبارزه‌شان دارند. جریانات مذهبی و ارتجاعی دست‌بکار شده‌اند تا از اقبال، یک قدیس بی‌آزار بسازند و بر مبارزه ضد سرمایه‌داری او سایه بیفکنند. به تلاش افتاده‌اند تا چهره‌های معصوم و تلاش‌های انسانی این کودکان را به آبروی چهره‌کریمه سرمایه‌داری و مذهب، این دو منشاء وجود نابرابری و تبعیض و به انقیاد و استثمار کشیده شدن کودکان، تبدیل نمایند.

از جمله فراخوان دهندگان برای شرکت در راهپیمائی سوم ماه مه در سوئد، نهادها و سازمانهای مذهبی مسلمان و مسیحی ذکر شده‌اند! صف دفاع از حقوق انسانی کودکان کارگر و مطالبات آنان، بیشک طیف گسترده‌ای از گرایشات سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد، اما نشانند مذهب در مقام رهائی کودکان دیگر تناقضی بشدت ناهنجار و پدیده‌ای بسیار آزاردهنده است. دو میلیاردر کودک جهان ما، در آخر هزاره دوم، نه تنها کمترین نیازی به دخالت مذهب در زندگی‌شان ندارند، بلکه بیش از هر زمان نیازمند فاصله گرفتن از مذهب و جهل و خرافه و نابرابری ذاتی آنند.

مبارزه اقبال مسیح و رفقاییش، جزئی از مبارزه برای رهائی طبقه کارگر است و به یک کمپین انسانی و پیشرو برای ساختن یک دنیای بهتر، دنیائی رها از جهل و خرافه مذهب و استثمار و تبعیض سرمایه‌داری، تعلق دارد. در مقابل تمامی تشبثات و تلاش‌های ارتجاعی، برای کشیدن پرده مذهب بر روی این مبارزه، باید با صراحت و صدای بلند گفت: دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه!

سوم مه، باید به روز اعتراض کارگری علیه ستم سرمایه‌داری، به روز دست‌های کوچک و قلب‌های بزرگ، نه سرمایه‌های بزرگ و اهداف حقیر، تبدیل شود. در سوم مه، باید با طنین رسا و پر شکوه "ممنوعیت بیدرنگ کار کودکان" به استقبال این مبارزین کوچک علیه "بردگی کودکان" رفت. به جمع کمیته استقبال "داروگ" از بردگان آزاد شده در این روز پیوندید.

اقبال گفته بود: "در دست‌های کودکان باید قلم باشد، نه ابزار کار." قلم‌هایتان را فراموش نکنید!

زمان: سوم مه — ۱ بعد از ظهر مکان: میدان
Hotorget

۲۶ آوریل ۹۸
سوسن بهار